



مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

عنوان:

ترجمه کتاب «نقش ائمه در احیاء دین»

جلد های ۹ و ۱۰ و ۱۱ به زبان اردو

مؤلف: علامه عسگری

استاد راهنما:

حجة الاسلام و المسلمین سید شجاعت حسین رضوی

استاد مشاور:

حجة الاسلام و المسلمین سید احتشام عباس زیدی

دانش پژوه:

قیصر عباس خان

سال ۱۳۸۴

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۷۳۸
تاریخ ثبت:

بیت الحرام

انتساب

بندہ عاصی اس ادنیٰ کاوش کو بارگاہ امام الملک و الملکوت حضرت بقیۃ اللہ الاعظم
 امام زمانہ روحیہ لہ الفداء علیہ الآلاف التحیۃ و الثناء کے نام منسوب کرتا ہے۔
 ﴿گر قبول افتد زہے عز و شرف﴾

عرض مترجم

ترجمہ کرنا کتنا مشکل کام ہے اس کی صعوبتوں کو صحیح طور پر وہی لوگ سمجھ سکتے ہیں جنہوں نے اس وادی میں قدم رکھا ہے کسی زبان کے مطالب کو دوسری زبان میں منتقل کرنا آسان کام نہیں ہے، اپنی کم مانگی کے باوجود میں نے مصنف کے مفہوم کو صحیح طور پر پیش کرنے کی ہر ممکن کوشش کی ہے، یہ میری پہلی کاوش ہے لہذا میں یہ دعویٰ نہیں کر سکتا کہ میرے قلم سے کہیں لغزش نہیں ہوئی ہوگی میری اس مسرت و شادمانی کا سہرا سب سے پہلے مرکز جہانی علوم اسلامی مدرسہ عالی فقہ و معارف اسلامی (مدرسہ حجتیہ) کے سر ہے، جس نے پایاں نامہ کی داغ بیل ڈالی ہے اور میں گروہ قرآن و حدیث کا شکر گزار ہوں کہ جس نے کتاب کے انتخاب میں میری مدد کی، اور حجۃ الاسلام والمسلمین مولانا سید شجاعت حسین صاحب رضوی کا بھی تہہ دل سے شکر گزار ہوں جنہوں نے رہنمائی کی ذمہ داری قبول کی اور قدم قدم پر نقائص کی طرف متوجہ کیا اور اگر یہاں پر حجۃ الاسلام والمسلمین مولانا سید احتشام عباس زیدی صاحب کا تذکرہ نہ کیا جائے تو شاید حق تلفی ہوگی کیونکہ موصوف نے بھی اپنے مفید مشوروں سے میری رہنمائی فرمائی ہے اس کے باوجود خامیوں کا امکان ہے اور سوائے معصومین (علیہم السلام) کے کوئی بھی اس سے مبرا نہیں ہے۔

لہذا ارباب علم و دانش سے امید ہے کہ وہ میری غلطیوں کو دامنِ عفو میں جگہ عنایت فرمائیں گے، اس کے بعد یہ بھی ذکر کرنا ضروری ہے کہ علامہ سید مرتضیٰ عسکری دام ظلہ العالی مسلسل حوصلہ شکن بیماریوں کے باوجود خدمت دین میں مصروف ہیں موصوف کی اس کتاب کی خوبی یہ ہے کہ

انہوں نے اس میں فلسفہ کی ثقیل اصطلاحوں اور متکلمین کی منطقی بحثوں سے کنارہ کشی کرتے ہوئے بہت سادہ لفظوں میں مشکل اور پیچیدہ مسائل کو سلجھایا ہے اور ایسی واضح دلیلیں پیش کی ہیں جن سے انکار کی کوئی گنجائش باقی نہیں رہ جاتی، میری اس بات کی صحت کا اندازہ تو آپ کو پڑھنے کے بعد ہی ہوگا۔ آخر میں عرض کر دوں کہ بارگاہِ احدیت میں کثرتِ عمل معیار نہیں بلکہ خلوص نیت اور حسن عمل تقرب کا ذریعہ ہوتا ہے میرے معبود میری اس سعی کو قبول فرما اور اس کو میری اور میرے والدین کی بخشش کا ذریعہ قرار دے۔ ﴿انک سمیع مجیب﴾

﴿بندۂ عاصی قیصر عباس خان﴾

مچھلی گاؤں، ہند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مختصری در باره ترجمه کتاب نقش آئمه در احیاء دین

کتاب نقش آئمه در احیاء دین تالیف علامه مرتضی عسکری مد ظله العالی مشتمل بر چهارده جلد می باشد، ایشان در خانواده علمی دید به جهان گشودند و در سامرا درس خواندند و همانجا مشغول نشر علوم اهل بیت (علیهم السلام) شدند و ایشان در بغداد دانش کده بنام اصول الدین تأسیس نموده بودند و تشنه گان علوم اهل بیت (علیهم السلام) را سیراب می کردند، پس از برگشت از عراق در حال حاضر هم مشغول ترویج علوم اهل بیت (علیهم السلام) می باشند، ایشان کتابهای زیادی تالیف نموده اند که بی تردید آنها بی نظیر هستند.

مؤلف در قم هم دانشکده اصول دین دارند که از اینجا هم علوم آل محمد چاپ و نشر میشود. لہذا بنده هم با همکاری و کمک گروه قرآن و حدیث از این کتاب (نقش آئمه در احیاء دین) جلد های ۹، ۱۰، ۱۱ را برای ترجمه به زبان اردو انتخاب نمودم. چون در این کتاب مطالبی هستند که در کتابهای دیگر این جور مطالب یکجا جمع آوری نشده است.

الآن بطفیل محمد و آل محمد (علیهم السلام) و با همکاری و کمک فقه و معارف علوم اسلامی مرکز جهانی دوره کامل کتاب نقش آئمه در احیاء دین ترجمه شده است. بذریعہ این مرکز برای شبہ قارہ کہ اکثر شان اردو زبان هستند برای آنها کار بزرگ شده است. مطالعه کردن دورہ این کتاب برای همه، بالخصوص برای طلبہ کہ می خواہد با مخالفان مناظرہ داشته باشد برای شان خیلی مفید ثابت می شود.

چون مؤلف در این کتاب زبان ساده و روان بکار گرفته اند. لهذا هر خاص و عام می تواند از این کتاب استفاده کند. مؤلف می نویسد که: پیغمبر اکرم پس از نزول آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...﴾ در غدیر خم پنجه در پنجه علی کرد و او را بلند نمود و فرمود: ﴿مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ...﴾ پیامبر اسلام علی را به روشنی وصی پس از خود معرفی نمود. بعد از برگشت از حج آخر رسول خدا بیمار شد. و در روز دوشنبه سر بر سینه علی (علیه السلام) گذاشت و وفات کرد.

حضرت علی (علیه السلام) به حکم اسلام و وظیفه با چند تن از خویشان مشغول غسل دادن و کفن کردن پیامبر شدند. انصار در آن حال در سقیفه بنی ساعده گرد آمدند که با سعد بن عباده بیعت کنند و او را خلیفه پیامبر سازند. مهاجران قریش هم به سقیفه رفتند و گفتند:

پیامبر اسلام از قبیله قریش است. عرب نمی پذیرد خلیفه اش از غیر قریش باشد. مهاجران قریش با جنگ و جدال مقصود خود را پیش بردند و با ابو بکر بیعت کردند. و مهاجران قریشی با خود می گفتند: خلافت را در خاندانهای قریش بگردانید تا به همه تیره های قریش برسد. آن گروه که با ابو بکر بیعت کردند، او را تاشبانگهان در کوچه های مدینه بگردانیدند و هر کس رامی دیدند نزد ابو بکر می کشاندند و او را مجبور می کردند تا بیعت کند. این طور بیعت ابو بکر در روز سه شنبه به پایان رسید. از اینجا بود که مسلمانان به دو گروه مکتب خلفاء و مکتب اهل بیت تقسیم شدند.

سه دسته از مسلمانان با بیعت ابا بکر مخالفت کردند:

(۱) بنی هاشم (۲) بعضی از انصار

(۳) قبائل مسلمانان عرب در خارج مدینه.

همان روز حضرت علی (علیه السلام) شبانگاه جناب فاطمه زهرا (علیها السلام) را بر دراز گوشنی سوار نموده و به درخانه های انصار تشریف می بردند. و در کار بیعت خود از ایشان یاری می طلبید و در این کار نیز فاطمه زهرا (علیها السلام) یاری می طلبید ولی آن وقت انصار گفتند ای دختر پیامبر ما با ابو بکر بیعت کردیم کار از کار گذشته . مؤلف می گوید: دستگاه خلافت به قصد تفرقه اندازی بین بنی هاشم، به خانه عباس عموی پیامبر رفتند ابو بکر در سخن خود گفت: ما می خواهیم در این کار یعنی خلافت سهمی برای تو قرار دهیم عباس جواب منفی داد آخر کار آنها با نا امیدی از آنجا بیرون شدند.

در نتیجه دستگاه خلافت که کار خود را با آن وضع ناتمام می دیدند، نقشه ای دیگر کشیدند و به خانه دختر پیامبر یورش بردند، و آتش زدند، و این کار به سرکردگی عمر انجام شد. حضرت علی (علیه السلام) را برای بیعت کردن ابو بکر به مسجد بردند ولی حضرت علی (علیه السلام) بیعت نه کرد آخر کار حضرت خانه باز گشت.

علامه اشاره می کند: بعد از این دستگاه خلافت با وصی پیامبر و دختر پیامبر اسلام جنگ اقتصادی شدیدی را آغاز کرد، و در این زمینه حق آنان را از خمس اسقاط کرد. و این کار در حال انجام شد که صدقه بر آنها حرام بود و از آن نمی توانستند استفاده کنند. به منظور این کار یگانه وارث پیامبر اسلام فاطمه زهرا (علیها السلام) دختر پیامبر را از ارث پیامبر محروم کردند. و فدک را که آنحضرت به دخترش داده بود، از او گرفتند، در حالی که با غها و مزارع دیگری را پیامبر به دیگران داده بود از آنها پس نگرفتند. کار دستگاه خلافت در داخل مدینه این جور جریان داشت.

آن از دسته از قبائل مسلمان عرب که در خارج مدینه سکونت داشتند. حکومت خلفاء آنها را مرتد از اسلام خواند و با آنها جنگ کرد تا شکست خوردند. سپس مردان جنگی آنها را کشت و اموال آنها را به غنیمت گرفت و زنان و کودکان و مردان سال خورده آنان را اسیر کرد و به شهر مدینه آورد. بعضی از آنها که وسیله ای داشتند آزاد شدند؛ و دیگران در قید بندگی درآمدند.

مصنف اشاره می کند که سیاست حکومت ابو بکر نسبت به سنت و حدیث پیامبران چنانی بود که بر کسی پوشیده و مخفی نیست. خلفاء دختر پیامبر را از ارث پیامبر محروم کردند. و از آنجا که ارث بردن فرزند از پدر، جزء احکام بدیهی اسلام بود و همه مسلمانان آن را در قرآن خوانده بودند و در زمان پیامبر اسلام به آن عمل کرده بودند، در اینجا يك امر جلب نظر می کند که چه شد آن همه اصحاب پیامبر و آن همه شدت عمل با خاندان پیامبر و روایت حدیث برخلاف نص قرآن و کشتار مخالفان بیعت ابو بکر (مانند مالک بن نویره) و کارهای مانند آن را دیدند و در برابر آن سکوت اختیار کردند؟!

مؤلف می گوید: ابو بکر مردم را جمع کرد و گفت: شما از پیامبر حدیثهای روایت می کنید و در آن اختلاف می کنید و آنها که پس از شما می آیند اختلاف شان بیشتر خواهد شد.

لذا از پیامبر هیچ حدیثی را روایت نکنید! هر کس از شما سوال کند، بگوئید قرآن در بین ما هست. آنچه قرآن حلال فرموده حلال دانید و آنچه قرآن حرام کرده حرام دانید.

اگر چه دهها آیه دستوره پیروی از گفتار و کردار پیامبر می دهد و عمل به آنها

و روایت حدیث از پیامبر را لازم دارد. این سخن ابوبکر مخالف با سایر احادیث پیامبر است که در آنها روایت کردن حدیث حضرتش را دستور فرموده و بر آن تاکید نموده است. بهر حال این دو گونه سیاست خلیفه نسبت به حدیث و سنت پیامبر مطلع کار خلفاء در این باره بود و خلفاء پس از او همین روش را با شدت هر چه تمام تر با حدیث و سنت پیامبر دنبال کردند.

عمر نیز در عصر خود غیر از این چند سیاست دیگری را اجراء کرد.

(۱) سیاست برتری جوی برای قبیله قریش.

(۲) ایجاد نظام طبقاتی در جامعه اسلامی.

(۳) سیاست حبس صحابه در مدینه.

(۴) سیاست ساختن ذوی القربی و اهل البیت (علیهم السلام) برای پیامبر.

دستگاه خلافت از زمان عمر، به جای حدیث و سنت پیامبر که از انتشار آن به شدت جلوگیری کردند، و بجای آن اخبار بنی اسرائیلی را میان مسلمانان نشر می کردند. اجتهادات خلیفه دوم در اواخر زندگی تا آن اندازه زیاد شد که اسلام به دو نوع تقسیم می شد:

(۱) اسلام عصر پیامبر که در قرآن و سنت پیامبر باقی مانده بود.

(۲) اسلام دستگاه خلافت که اکثر مسلمانان گذشته و تازه بر آن بودند که

بسیاری از احکام آن با قرآن و سنت رسول مغایر بود.

مؤلف می گوید: عمر پس از ضربت خوردن از (ابولؤلؤ) شورای شش نفری از

علی (علیه السلام) - عثمان - عبدالرحمن - سعد - طلحه - زبیر تعیین کرد که و کار انتخاب را

بعهدده عبدالرحمن گذاشت. عبدالرحمن در مدت سه روز چنین صحنه سازی کرد که

مهاجرین و انصار و دیگر مسلمانان را در مسجد جمع کرد و گفت:

من خودم و سعد (سعد عموزاده عبدالرحمن بود) را از خلافت کنار می‌کنم تا انتخاب خلیفه از میان چهار تن (یعنی علی - عثمان - طلحه - زبیر) به عهده من باشد، اولین کسی که این پیشنهاد را پذیرفت عثمان بود. سپس جز حضرت علی (ع) السلام، دیگران نیز قبول کردند. بعد از آن عبدالرحمن رو به علی (ع) السلام کرد و گفت: با تو بیعت می‌کنم بشرط اینکه با ما به کتاب خدا و سنت پیامبر و سیره شیخین عمل کنی؟

حضرت علی (ع) السلام گفت: با شما عمل می‌کنم به کتاب خدا و سنت پیامبر به اندازه استطاعتم، و با عمل کردن کتاب و سنت رسول، عمل کردن به روش دیگران لزومی ندارد! تو سعی داری این را از من دور سازی!

بعد از آن عبدالرحمن رو به عثمان کرد و گفت: با تو بیعت می‌کنم بشرط اینکه به کتاب خدا و سنت رسول و سیره شیخین عمل کنی عثمان این را قبول کرد و او را خلیفه ساختند. عثمان زمانی به حکومت رسید که جاده خلافت با کوششهای خلیفه دوم هموار گشته بود. حکومت عثمان به دو دوره شش ساله تقسیم می‌شود دوره اول: در این دوره عثمان دنباله رو سیاست حکومت عمرو و مجری اجتهادهای او بود؛ لکن با مردم روشی ملائم داشت.

مؤلف اشاره می‌کند که بنی امیه دوره شش ساله دوم به مسلمانان ستمهای روا داشتند هر چند ستمدیدگان به خلیفه شکایت می‌بردند، خلیفه شکایت آنها را علیه افراد فامیلش نمی‌پذیرفت بلکه شکایت کنندگان را با ضرب و شتم سرکوب می‌نمود. بعضی از صحابه مانند ابو ذر و عمار یاسر که حدیث و سنت پیامبر را در میان مسلمانان بیان می‌کردند و با شدت عمل دستگاه خلافت روبرو می‌شدند.

جناب ابوذر را از مدینه به شام و از شام به مدینه سپس صحرای ریزه فرستاده شد و در آن صحرا وفات کرد و عمار شکنجه شد. در اثر ستمگریهای حکام بنی امیه مسلمانان در شهرهای کوفه، مصر و مدینه شورش کردند و افرادی سرشناس از تیره های قریش شورشیان را رهبری کردند، مانند عائشه - طلحه - زبیر این شورش چند سال ادامه یافت. در این مدت حدیثهای از پیامبر اسلام در مذمت افرادی از بنی امیه مانند حکم بن ابی العاص عموی عثمان و برادرش ولید شراب خوار و سعد بن ابی سرح منتشر شد مؤلف می گوید: که بعضی از صحابه توانستند سوابق امام علی (علیه السلام) را به یاد مردم آورند و احادیثی از پیامبر در فضائل امام علی (علیه السلام) نقل کنند و به گوش آنها که درک صحبت پیامبر آنکرده بودند برسانند در نتیجه چشمه های علی (علیه السلام) دوخته شد و یگانه مرد ناجی امت شناخته شد.

مؤلف می گوید: شورشیان آخرین بار خانه عثمان را محاصره کردند. حضرت علی (علیه السلام) دو فرزند خود امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) را بر در خانه عثمان گذاشت تا نگذارند شورشیان به آن خانه حمله برند و عثمان را قتل کنند. در این درگیری صورت امام حسن (علیه السلام) جراحت برداشت و خونین شد. سرانجام محمد بن ابی بکر با چند تن از شورشیان از خانه همسایه به خانه عثمان داخل شدند و کار عثمان را تمام کردند. در این صورت مسلمانان از همه قید و بندهای دستگاه خلافت آزاد شدند و هیچ بیعتی بر گردنشان نبود. بعد از آن توده های مردم بر علی (علیه السلام) فشار آوردند تا با او بیعت کنند، ولی آنحضرت نمی پذیرفت. آخر کار پس از گفتگوهای بسیار و قرار دادن شروطی امام بیعت آنان را پذیرفت. از جمله شروط، آن حضرت در پذیرفتن بیعت این دو مورد بود:

(۱) آنها را به پیروی از حق و عدالت و عمل به سنت پیامبر هدایت کند.

(۲) علی (علیه السلام) در همی از بیت المال بدون اطلاع مسلمانان، بر ندارد.

باشروطی که امیر المومنین مقرر فرمود همه صحابه و تابعین و تمام اهل مدینه به حضرتش بیعت کردن جز بنی امیه و عزیزان بنی امیه.

مؤلف می گوید: يك روز پس از بیعت، دستور داد بیت المال را بین مسلمانان بالسویه تقسیم کنند و به هر نفر سه دینار بدهند و هیچ گونه فرقی بین بدری، اُحدو خندقی..... مهاجری و انصاری و آزاد شده عرب و غیر عرب نگذاشت، این کار امیر المومنین زنگ خطر بود برای قشرهای امتیاز یافته در جامعه آن روز، همگی در مسجد پیامبر علیه امام تجمع کردند و قیامت برپا کردند و گفتند: یا علی (علیه السلام) در کارت عدالت را رعایت نکردی!

شما کسانی را که با شمشیر ما تسلیم شدند و اسلام آوردند و بنده ما بودند با ما یکسان کردی و سابقه ما را در اسلام در نظر نگرفتی!

امام جواب داد: سابقه در اسلام و فضیلت در اسلام را خداوند عالم در قیامت پاداش عطا می فرماید. ما و شما دیدیم که رسول اسلام در تقسیم مال بین بندگان خدا این چنین عمل فرمود. یعنی سنت پیامبر چنین است.

مؤلف اشاره می کند: ام المومنین عائشه که سالی دوازده هزار درهم می گرفت، می بایست با بنده آزاد شده اش که سالی دویست درهم می گرفت یکسان شود و درهم چنین طلحه و زبیر و دیگر سردمداران صحابه این عدالت و مساوات بر صحابه قریشی گران آمد؛ ولی بر انصار گران نیامد. در این دوران عمرو عاص به معاویه نوشت:

اما بعد: ای معاویه آماده باش تا هر چه داری علی از تو بگیرد و تو را مانند
چوب درختی سازد که برگهای آن را بریزند.

مؤلف می گوید: در این باره قریش نمی توانست به مردم بگوید: علی (عیه السلام)
امتیازات مارالغو کرده؛ بیائید با او بجنگیم! لهذا يك نقشه دیگری کشیدند و صدا در
آوردند ای مسلمانان! خنیفه مسلمانان عثمان مظلوم کشته شد در پی خون خواهیش
قیام کنید!

قریش امام را قاتل عثمان معرفی کرد! اولین کسی که چنین شعار داد ام
المومنین عائشه بود. بعد از ایشان معاویه بنام خون خواهی عثمان مردم را تحریک
کرد. قریش در عصر پیامبر علیه پیامبر قیام کرد و در عصر علی (عیه السلام) نیز قریش علیه
وصی پیامبر قیام کرد و در دین، اینها چه نه کردند.

مؤلف اشاره می کند که مکتب خلفاء به تدریج به فرقه های مختلف تقسیم
شدند که مشهور ترین آنها در عقاید، فرقه های معتزله، اشاعره و سلفیه می باشد و از فرقه
سلفیه فرقه وهابیه پدید آمده است. و مشهور ترین فرقه های مکتب خلفاء در احکام
،فرقه های مالکیه، حنفیه، شافعیه و حنابله می باشد.

اما در مکتب اهل البیت (علیهم السلام) موضوع اختلاف میان پیروانشان تقسیم
می شود به زمان حضور آئمه (علیهم السلام) و عصر غیبت کبری .

مؤلف می گوید: در زمان حضور آئمه (علیهم السلام) گاهی بعضی از شیعیان پس
از وفات یکی از آئمه (علیهم السلام) به سبب دوری از امام بعدی و کاستی معرفشان نسبت
به حدیث رسول و اوصیایش، دو چار سردرگمی می شدند؛ تا آنکه دانا یا نشان به
حضور امام بعدی می رسیدند و امر مشتبه برای شان روشن می شد.

آئمه (علیهم السلام) همیشه شیعیان خود را در معرفت به عقاید اسلامی و احکام اسلامی روشن و بینامی ساختند. بدین سبب هیچ گاه فرقه گرائی در میان پیروان مکتب اهل البیت (علیهم السلام) در عصر حضور امامان پدیدار نشد؛ اما آن فرقه های که اهل سنت طرف تشیع نسبت دروغی می دهند در باره آن مؤلف می گوید: فرقه زیدیه، آنان اندکی عقاید مکتب اهل البیت (علیهم السلام) را فرا گرفته اند و بسیاری از عقاید و احکام مکتب خلفاء را؛ و آنها را باهم جمع کرده، فرقه زیدیه را تشکیل داده اند. پس اینان نه سنی هستند نه شیعی، بلکه خود فرقه سومی از مسلمانان را تشکیل داده اند. اما اِسماعیلیه؛ این فرقه همانند بنی حنفیه و اتباع مسیلمه کذاب هستند که در اصل مسلمان بودند، لکن وقتی که معتقد شدند مسیلمه کذاب مانند رسول خداً پیامبر شده، مرتد گشته و از اسلام خارج شدند؛ دیگر نمی توان بنی حنفیه را فرقه ای از مسلمانان شمرد.

اِسماعیلیه نیز پس از پذیرفتن امامت اِسماعیل وفات کرده، از تشیع خارج شدند، و با مرور زمان، به سبب قانون گذاریشان در مقابل احکام اسلام، از اسلام نیز خارج شدند، و مانند ایشان است کار غلات که اینها را نمی توان مسلمان نامید. اما فرقه های خیالیّه، مانند سبائیّه، کسانیه و غرابیه، نویسندگان مکتب ملل و نحل وجود آنها در مکتب اهل البیت (علیهم السلام) بدروغ مدعی شده اند هیچگاه چنین فرقه های در تاریخ وجود خارجی نداشته اند. مادر برابر این دروغ پردازان هانسیست به تشیع ناتوان هستیم!

دوازده امام شیعیان نزد همه فرق مسلمانها آنچنان معروف و مشهور بودند که هیچ کس نمی توانست در بین شیعیان ادعای امامت کند، بلکه هر کس هوای

ریاست داشت، ادعای نیابت از امام معصومین کرد که خاتمه آن را نیز حضرت ولی عصر (عج) پس از چهارمین نایب خاص خود اعلام فرمود. با این حال، آنها ی که از مدعی امامت و نیابت پیروی میکردند از تشیع و اسلام خارج می شدند؛ مانند فرقه بهائیه در شیعه و فرقه قادیانیه در سنیها.

مؤلف می گوید: کار بینش اسلامی پیروان مکتب اهل البیت (علیهم السلام) با انتشار و صدها نوشتار کوچک و بزرگ و کتابهای حدیث روایت شده از طریق دوازده وصی، به جایی رسیده بود که دیگر هیچ گونه فرقه گیرائی نمی توانست به پا شود، مگر اختلاف نظری که در برخورد با روایت، بین بعضی از فقهاء شیعه پدید آمده که بدان سبب بعضی را اخباری و بعضی را اصولی نامیدند، لکن اکنون همه فقهای شیعه اصولی هستند و در جایی جماعتی جداگانه بنام اخباری وجود ندارد.

مؤلف: عمل کرد و روش اوصیاء پیامبر را در راه احیاء سنت آنحضرت بررسی می کند که آن بررسیها در چهار زمینه زیر خلاصه می شود:

(۱) رسول اسلام به امر پروردگار عالم برای هدایت انسانها تا آخرین روز دنیا، تفسیر قرآن کریم و مجموعه سنت خود همه علوم و معارفی را که بشر برای رسیدن به درجه کمال انسانی خود لازم دارد، تعلیم و دیدارهای منظم و غیر منظم به حضرت علی (علیه السلام) و توسط او به یازده فرزندش یکی پس از دیگری تعلیم داده و در اختیارشان گذارده است، و برای رسیدن به این هدف حضرت علی (علیه السلام) را در همه زندگی تحت تعلیم خاص خود قرار داده بود.

(۲) پروردگار عالم برای حفظ و حراست تبلیغ اسلام تا دامنه قیامت حضرت علی (علیه السلام) و یازده فرزندش را به عنوان اوصیاء پیامبر معین فرموده، و رسول اسلام به امر

رب العالمین برای آنکه همه انسانها تا آخرین روز عمر دنیا راهنمایان خود در امر هدایت رابشاسند و بدانند که داوری تمامی آشفته‌گیها و دردها نزد کیست، آن دوازده بزرگوار را برای امامت و رهبری مردم با بیان صریح و قاطع به امت اسلامی معرفی فرموده و با این کار تبلیغ دین کامل شد و نعمت خدا بر مردم تمامیت یافت.

(۳) پس از رحلت رسول اسلام اوصیاء آنحضرتؐ پیا خاستند و پرده تحریف و کتمان را از تفسیر قرآن کریم و سنت پیامبرؐ و عقاید و احکام اسلام برگرفتند و به تلاش و جهاد پیگیر و دائمی در طول سه قرن متوالی با تاییدات پروردگار متعال توانستند تفسیر صحیح قرآن کریم و مجموعه اصیل سنن اسلامی و علوم معارف اسلامی الهی را در دسترس جهانیان قرار دهند.

(۴) یکایک آئمه اطهار (علیهم السلام) در راه حفظ اسلام و در دسترس بشر ماندن آن تا آخرین روز دنیا کوشیدند و اعمال و برنامه های هر یک از این بزرگوار در شرایط خاصی خود برای حفظ اسلام ضرورت قطعی داشت انجام دادند.

پس از رحلت رسول اسلام تا به امروز، دو مکتب در عالم اسلام وجود داشته است نظریه هر دو مکتب با تفصیل باید در کتاب رجوع شود.

﴿تَمَّتْ﴾

نویں جلد

فہرست

صفحہ	عنوان
۴	انتساب
۵	عرض مترجم
۸	تمہید
۱۳	مکتب خلفاء میں سنت کا حال
۱۴	۱- سنت، حضرت ابو بکر کے زمانہ میں
۱۴	حضرت ابو بکر کی سیاست موافقین اور مخالفین کے ساتھ
۱۸	نتیجہ بحث
۱۹	مخالفین بیعت حضرت ابو بکر
۲۰	خانہ فاطمہ (علیہا السلام) پر ہجوم
۲۲	مدینہ سے باہر قبائل عرب کا انجام
۲۳	حضرت ابو بکر کی تائید میں جعلی حدیث
۲۶	سربراہان خلافت کے سامنے صحابہ کی خاموشی کیوں؟
۲۸	حدیث اور سنت رسول ﷺ کے ساتھ حضرت ابو بکر کا رویہ
۳۲	حدیث رسول ﷺ پر چہرا
۳۵	۲- حدیث، حضرت عمر کے زمانے میں

- ۳۵ زمانہ حضرت عمر میں حکومت کی سیاست
- ۳۶ ۱۔ قبیلہ قریش کی برتری والی سیاست
- ۳۷ مسلمانوں پر قبیلہ قریش کی حکومت کی نوعیت
- ۳۹ ۲۔ قوم عرب کی برتری والی سیاست
- ۴۱ ۳۔ مسلمانوں کے درمیان طبقاتی نظام نافذ کرنے کی سیاست
- ۴۳ ۴۔ مدینہ میں صحابہ کو مقید کرنے کی سیاست
- ۴۵ ۵۔ رسول خدا ﷺ کیلئے بناوٹی ذوی القربیٰ والی سیاست
- ۴۶ ۱۔ اہل بیت رسول کے عنوان سے عباس اور ان کے فرزندوں کا تعارف
- ۴۷ اہل بیت (علیہم السلام) کی معرفت میں دستور الہی کی حکمت
- ۴۸ ۲۔ ۳۔ دو اہم پاروں مدگار کے عنوان سے حضرت ابو بکر و عمر کا اعلان
- ۴۸ ۴۔ بے نظیر عورت کی حیثیت سے عائشہ کا اعلان
- ۵۰ سنت رسول خدا ﷺ کے سلسلے میں حضرت عمر کی سیاست
- ۵۰ ۱۔ سنت رسول ﷺ پر پابندی کا مقصد
- ۵۲ روایت حدیث اور تفسیر قرآن سے حضرت عمر کے منع کرنے کی علت
- ۵۳ ۲۔ احادیث اسرائیلیات کی نشر و اشاعت
- ۵۴ ۳۔ عقیدہ توحید میں خلیفہ کے جعلی قوانین
- ۵۴ ۴۔ خلیفہ کی حمایت میں روایت حدیث